



نحوه اجرای «دستور موقت قضایی» و «قرار تامین خواسته»

شاید تاکنون عباراتی همچون «دستور موقت» یا «قرار تامین خواسته» شنیده باشید و این سوال برای شما مطرح شده باشد که دستورهای موقت قضایی با دستورهای نهایی چه تفاوتی داشته و آثار آنان با یکدیگر چه اختلافاتی دارند.

شاید تاکنون عباراتی همچون دستور موقت یا قرار تامین خواسته؛ سوال برای شما مطرح شده باشد که دستورهای موقت قضایی با دستورهای نهایی چه تفاوتی داشته و آثار آنان با یکدیگر چه اختلافاتی دارند. در این مطلب سعی داریم تا با تشریح هر یک از این موارد به سوالات مطرح شده پاسخ دهیم.

اجرای حکم، غایت و هدف دادرسی است. به عبارت دیگر شخصی که حق یا حقوق او تضییع شده و جهت احقاق حق به محکمه مراجعه کرده است، می‌خواهد حق خود را بستاند و اخذ یک برگ کاغذ به عنوان حکم، مقصود او را تأمین نمی‌کند زیرا حکمی که به اجرا منتهی نشود، ارزشی نخواهد داشت.

به موجب ماده یک قانون اجرای احکام مدنی مصوب سال 1356 هیچ حکمی از احکام دادگاه‌های دادگستری به موقع اجرا گذارده نمی‌شود مگر اینکه قطعی شده یا قرار اجرای موقت آن در مواردی که قانون معین می‌کند، صادر شده باشد.

برای اجرای حکم شرایطی لازم است. این ماده به طور صریح یکی از این شرایط و به طور تلویحی شرط دیگری از این شرایط را بیان می‌کند. آنچه که به طور صریح اعلام می‌کند، آن است که حکم صادره باید قطعی شده یا قرار اجرای موقت صادر شده باشد و آنچه را به طور تلویحی اعلام می‌کند، آن است که حکم جنبه اجرایی داشته باشد. حکم اجرایی حکمی است که مدلول آن بیانگر الزام محکوم‌علیه به انجام عملی باشد.

اجرای موقت عبارت است از امتیازی که به موجب آن ممکن است بتوان یک حکم غیرقطعی را بدون درنگ به موقع اجرا گذاشت؛ هرچند که از آن حکم، به یکی از طرق مانع اجرای احکام، شکایت شده باشد بنابراین؛ موقت یعنی اجرا کردن حکمی که قابل تجدیدنظر یا فرجام‌خواهی باشد.

اجرای حکم دعاوی تصرف

دعوا در صورتی از جمله دعاوی تصرف شمرده می‌شود که موضوع حق منشا آن، تصرفات قبلی خواهان یعنی در اختیار داشتن عملی مال یا حق موردنظر باشد. در حقیقت قانونگذار از جمله به متصرف قبلی مال غیرمنقول که ملک عدوانا از تصرف وی خارج شده، حق داده است که بدون نیاز به ارایه دلایل مالکیت، به صرف اثبات تصرف قبلی خود، تحت شرایطی، حکم به رفع متصرف فعلی را از دادگاه بگیرد حتی اگر متصرف فعلی مدعی مالکیت باشد و دلایلی نیز ارایه کند.

در قانون آیین دادرسی مدنی، سه نوع دعاوی تصرف شامل دعاوی تصرف عدوانی، دعاوی مزاحمت و دعاوی ممانعت از حق پیش‌بینی شده که یکی از آثار مشترکی که بر هر سه این دعاوی بار می‌شود، نحوه اجرای حکم است.

حکم دادگاه، در صورتی که مبنی بر محکومیت خوانده به رفع تصرف عدوانی، رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق باشد، بلافاصله البته پس از ابلاغ توسط واحد اجرای احکام دادگاه یا ضابطان دادگستری قابل اجرا بوده و درخواست تجدیدنظر مانع اجرای آن نیست. اجرای حکم به رفع تصرف (تصرف، مزاحمت یا ممانعت) نیازی به صدور اجراییه ندارد و حق تجدیدنظر و حتی تجدیدنظرخواهی از حکم نیز مانع اجرا نمی‌شود.

اجرای حکم دادگاه در امور حسبی

حکم دادگاه در امور حسبی نیز بدون اینکه مستلزم قطعیت باشد، قابل اجراست. ماده 35 قانون امور حسبی در این خصوص چنین مقرر داشته است: «شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی‌شود؛ مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند، قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.»

اجرای دستور تخلیه

در ماده 3 قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال 1376 آمده است: «پس از انقضای مدت اجاره بنا به تقاضای موجر یا قائم‌مقام قانونی وی، تخلیه عین مستأجره در اجاره با سند رسمی؛ توسط دواجرای ثبت طرف یک هفته و در اجاره با سند عادی یک هفته پس از تقدیم تقاضای تخلیه به دستور مقام قضایی در مرجع قضایی توسط ضابطان قوه قضاییه انجام خواهد شد.»

در این مورد که دستور صادره از دادگاه (در حال حاضر شورای حل اختلاف) همچون حکم و قرار، جنبه اجرایی داشته باشد، دستور صادره به محض صدور، قابلیت اجرا خواهد داشت.

قرار تأمین خواسته

از زمانی که خواهان اقامه دعوی می‌کند تا صدور حکم لازم الاجرا، معمولاً مدتی طولانی سپری می‌شود که می‌تواند خواننده بی‌حسب و حساب را در موقعیتی قرار دهد تا با جابه‌جایی اموال منقول و وجوه نقد و نیز نقل و انتقال اموال خویش، اجرای حکمی را که خواهان با صرف وقت و هزینه قانونی به دست آورده است، با دشواری روبه‌رو یا حتی غیرممکن کند. از این گذشته، طولانی بودن مدت مزبور می‌تواند موجب شود اموالی که در زمان اقامه دعوی موجود و در مالکیت خواننده بوده، تا زمان اجرای حکم، با تعدی و تفریط وی یا پیشامدهای قهری یا... ناقص و معیوب شده و ارزش واقعی خود را از دست داده و نابود شود یا متعلق حق دیگران قرار گیرد. قانونگذار به منظور حفظ حقوق خواهان از رویدادهای مزبور، نهادهایی را پیش‌بینی کرده که یکی از مهمترین آنها «تأمین خواسته» است. تأمین خواسته عبارت است از توقیف (بازداشت) اموال بدهکار اعم از منقول یا غیرمنقول و طلب از اشخاص ثالث. اثر بازداشت دادگاه آن است که تا زمانی که مال در بازداشت باقی است، از هرگونه نقل و انتقال مصون می‌ماند و بر انتقالاتی که نسبت به آن می‌شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

صدور قرار تأمین خواسته، مستلزم ارایه درخواست به دادگاه و در صورت لزوم سپردن تأمین مناسب است. دادگاه پس از رسیدگی به دلایل درخواست‌کننده... قرار تأمین صادر کرده یا آن را رد می‌کند. صورتی که دادگاه، درخواست صدور قرار تأمین را وارد بداند، به موجب قرار تأمین خواسته، حسب مورد دستور بازداشت خواسته یا معادل آن از اموال طرف مقابل را صادر می‌کند. به موجب ماده 117 قانون آیین دادرسی مدنی «قرار تأمین باید فوری به خواننده ابلاغ و پس از آن اجرا شود؛ بنابراین اجرای قرار تأمین نیازی به صدور اجرائیه یا تعیین تکلیف نهایی خواسته خواهان در دادگاه نداشته و فوراً با دستور دادگاه اجرا می‌شود. اجرای قرار تأمین خواسته به صورت فوری از چنان اهمیتی برخوردار است که حتی در مواردی نیز ابلاغ آن به خواهان نادیده گرفته می‌شود.»

قرار دستور موقت

گاهی اشخاص به تجویز قانون، برای در امنیت قرار دادن حق اصلی اقدام می‌کنند زیرا گاه خطر، به گونه‌ای آن را تهدید می‌کند که بیم نابودی و بر باد رفتن آن، پیش از صدور یا اجرای رأی در ماهیت وجود دارد. در حقیقت، قانونگذار صدور «دستور موقت» را «در مواردی که تعیین تکلیف آن فوریت دارد» پیش‌بینی کرده است.

موارد صدور و شرایط صدور دستور موقت در مواد 311 تا 318 قانون آیین دادرسی مدنی ذکر شده اما سه نکته در خصوص دستور موقت قابل ذکر است: اولاً به موجب قانون، صدور قرار دستور موقت در مواردی که تعیین تکلیف آن فوریت دارد، درخواست می‌شود. دوماً خواسته دستور موقت باید متفاوت از خواسته دعوا باشد؛ در غیر این صورت، در اجرای دستور موقت به ناچار خواسته دعوی باید در اختیار خواهان قرار گیرد که این مسئله با حکم قانون در ماده 316 قانون آیین دادرسی مدنی که مقرر می‌دارد «دستور موقت ممکن است، دایر بر توقیف مال یا انجام عمل

یا منع از امری باشد.؛ منافات دارد.

سوما اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رییس حوزه قضایی است و این مسئله در حالی در تبصره 1 ماده 325 قانون آیین دادرسی مدنی مورد تأکید قرار گرفته که در خصوص نهادهای مشابه چنین تأکیدی وجود ندارد. به هرحال، قرار اجرای موقت در صورت صدور، به صورت فوری اجرا می‌شود.